



بررسی و تطبیق مؤلفه‌های رمانتیسیم در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور

دکتر عباس گنجعلی^۱

استادیار دانشگاه تربیت معلم سبزوار

سکینه صارمی گروی^۲

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم سبزوار (نویسنده‌ی مسؤول)

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۰

چکیده

رمانتیسیم زمانی شروع شد که نویسندگانی خوش قریحه و جسور طرز بیان جدیدی برای بیان احساسات خود ابداع کردند. این جریان در حقیقت، نوعی واکنش در برابر مکتب کلاسیسیم بود. از مهم‌ترین اصول این مکتب، آزادی، طبیعت‌گرایی، احساس و هیجان (نظیر حزن و اندوه، عشق، انزوا و کناره‌گیری

1 . E-mail: abbasganjali@yahoo.com

2 . E-mail: S.saremi66@yahoo.com

از اجتماع، یاد مرگ)، سفر تاریخی، جغرافیایی و ... را می‌توان نام برد. بدر شاکر سیاب، از پیشگامان شعر معاصر عربی، شاعری خوش ذوق و نوآور است که اصول مکتب رمانتیسم از جمله طبیعت‌گرایی، سفر تاریخی و ... در اشعارش به خوبی نمایان است. قیصر امین‌پور - از شاعران معاصر و توانای ادبیات فارسی - شاعری است که بازتاب احساسات و عواطف، به خوبی در شعرش نمایان است؛ گرچه سهم درد و اندوه در این میان بیشتر است، تا جایی که به این نام (شاعر درد و اندوه) ملقب گشته است. پژوهش حاضر کوششی تطبیقی است در بازیابی نحوه‌ی به کارگیری اصول و مبانی مکتب رمانتیسم و بیان وجوه تفاوت و تشابه آن در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین‌پور.

کلید واژگان: ادبیات تطبیقی، مؤلفه، رمانتیسم، بدر شاکر سیاب، قیصر

امین‌پور

مقدمه

ادیب و شاعر رمانتیک همیشه بین آرزوها و آرمان‌ها و واقعیات جامعه درگیر است. یکی از ویژگی‌های آنان، بازگشت به طبیعت و احساس دلسردی و انزجار از تمدن جدید است که در آثارشان موج می‌زند. این طبیعت‌گرایی و انزجار از تمدن جدید، در آثار سیاب و قیصر به خوبی مشهود است و از طرف دیگر به خوبی توانسته اند احساسات و عواطفشان را به تصویر بکشند. از اصول دیگر گریز از زمان و محیط موجود و سفر تاریخی و جغرافیایی به زادگاه می‌باشد - مثل جیکور و گتوند زادگاه سیاب و قیصر امین‌پور.

آنها می‌خواهند که از شهر و زندگی شهر نشینی دور بوده و به طبیعت زادگاهشان برگردند. این مقاله با تکیه بر دیوان بدر شاکر سیاب، مجموعه اشعار قیصر امین‌پور، آسیب‌شناسی روانی از سعید شاملو، مکاتب ادبی رضا حسینی و ... نوشته شده است و در این پژوهش سعی بر آن است تا به پرسش‌هایی پاسخ داده شود:

۱- آیا هر دو از شاعران نوستالژیک هستند؟

۲- بازتاب مؤلفه‌های رمانتیسم در آثار این دو شاعر چگونه است؟

این پژوهش بر چند فرضیه استوار است: ۱- سیاب و قیصر هر دو از میان گونه‌های مختلف رمانتیسم به رمانتیسم آرمان شهری پای بند هستند ۲- سفر جغرافیایی و گریز از محیطی که در آن هستند و اشتیاق برای رسیدن به وطنشان در آثار آنها مشهود است ۳- بیان احساسات مثل درد و رنج و عشق و ... در آثار آنها نمود یافته است. در این زمینه هیچ کار پژوهشی انجام نشده است، به همین خاطر در این پژوهش سعی بر آن داریم تا مؤلفه‌های رمانتیسم را در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور مورد تطبیق و بررسی قرار دهیم.

مکتب ادبی رمانتیسم

«از اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هجدهم میلادی که وضع اجتماعی و افکار عمومی مردم اروپا دستخوش تغییرات شگرفی شد، اروپائیان دریافتند که زبان ادبی مکتب کلاسیک، قالب اندیشه ادبی و هنری نویسندگان یونان و روم باستان، قادر به انعکاس و انتقال اندیشه‌ها و مکنونات آن نیست و شیوه کلاسیکی که مبتنی بر تقلید از نویسندگان سنتی بود، مانع آزادی فکر بیان شده است. به همین دلیل در پی آن شدند تا در کیفیت احساس و ذوق، سلیقه هنری و شکل تخیل خود تغییراتی ایجاد نمایند» (وان تیزم، ۱۳۷۰: ۵۷ و ۵۸).

«رمانتیسم در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمینه ادب به رجحان احساس و تخیل به جای تعقل تأکید دارد و منادی آزادی مطلق هنرمند از قیود شعری از جمله بندهای عروضی است (داد، ۱۳۸۲: ۲۴۴).

اصول کلی مکتب رمانتیسم به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- **آزادی:** رمانتیسم «مکتب آزادی خواهی در هنر» است. یعنی ادبیات و هنر می‌تواند هر گوشه از زندگی چه زیبا و چه زشت، چه عالی و چه دانی را موضوع خود قرار دهد. از شعارهای پیروان این مکتب، آزادی اندیشه و آزادی بیان را می‌توان نام برد.
- ۲- **فردیت:** یکی از مشخصات بارز آثار ادبی رمانتیک‌ها در قالب شعر یا رمان استفاده مکرر از کلمات من و خود است. به بیان دیگر شعر یا نثر در قلمرو مکتب رمانتیسم، وسیله‌ای برای بیان عشق و علاقه فردی، دردها و به طور کلی احساسات درونی شاعر یا نویسنده می‌شود.
- ۳- **هیجان و احساسات:** در این مکتب ابراز احساسات و بیان هیجانات شخصی یک

اصل است. به عقیده رمانتیک‌ها عقل و منطق در هنر جایی ندارد و این احساس است که بر روح بشر تسلط دارد» (سید حسینی، ۱۳۶۶: ۱۸۰).

۴- گریز، سیاحت و سفر: «آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی زمان‌های دیگر از مشخصه‌هایی است که در آثار رمانتیک‌ها دیده می‌شود. از نظر رمانتیک‌ها باید از ناکامی، دلتنگی و اندوه و سرخوردگی فرار کرد؛ فرار به رؤیا، به گذشته و فرار به سرزمین‌های دور.

۵- کشف و شهود: رمانتیک‌ها به دنبال کشف چیزهای ناشناخته و موضوعات جدید هستند. کشف و شهود که با متافیزیک و جهان ماوراء الطبیعه ارتباط برقرار می‌کند، از علایق ویژه رمانتیک‌ها است» (الیوت، ۱۳۷۵: ۲۷۵)

۶- طبیعت گرایی: «رمانتیک‌ها عاشق طبیعتند و طبیعت را مادر خویش می‌دانند. همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است. رمانتیک‌ها می‌گویند: شعر تعبیری است از همدلی و مهربانی حواس با طبیعت، شعر زبان دل‌بردگی و جذابیت است. خاستگاه شعر، تأثیرهای متقابل میان حواس و آثار طبیعی بوده و هدف آن شکیبایی و آرامش یافتن با طبیعت است.» (الیافی، ۱۹۸۳: ۱۰۸).

زندگینامه‌ی بدر شاکر سیاب

بدر شاکر سیاب در سال ۱۹۲۶ میلادی در یکی از روستاهای بصره از توابع عراق به نام «جیکور» نزدیک «ابوالخصیب» به دنیا آمد. دور تا دور این روستا را نخلستان‌ها و جوی‌های آب احاطه کرده است (بیضون، ۱۹۹۱: ۱۴). نام پدرش شاکر بن عبدالجبار بن مرزوق السیاب و مادر او «کریمه»، دختر عموی شاکر بود. بهترین دوران شاعر دوران کودکی او بود؛ چرا که سرگرم بازی‌های کودکانه بود اما این خوشی دوامی نداشت؛ زیرا در سال ۱۹۳۲ میلادی زمانی که شش ساله بود، مادرش از دنیا رفت (بلاطه، ۱۹۹۱: ۲۱). بعد از سپری کردن دوران ابتدایی و دبیرستان وی در سال ۱۹۴۲ میلادی به دانش‌سرای عالی بغداد راه یافت و در رشته زبان و ادبیات عربی مشغول تحصیل شد.

بعد از دو سال این رشته را رها کرد و به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۹۴۵ میلادی عضو حزب کمونیست عراق شد و به دلیل انجام فعالیت‌های سیاسی، پس از هشت سال از شغل خود برکنار شد (عوض، ۱۹۷۸: ۱۴).

«در سال ۱۹۵۳ م در پی شرکت در یک تظاهرات به ایران گریخت و از آنجا به کویت رفت و بعد از شش ماه به بغداد بازگشت و به کار روزنامه نگاری مشغول شد. در این سالها بود که سیاب با مفاهیم و صور تازه‌ای از شعر غربی آشنایی عمیق تری یافت و در جلساتی که با دوستان خود داشت، شعرهای «الیوت» و «سیتول» خوانده می‌شد و مورد بحث و مذاکره قرار می‌گرفت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

سیاب بعد از چندین بار ناکامی در عشق در سال ۱۹۵۵ میلادی با معلمی از «ابوالخصیب» به نام «اقبال» ازدواج کرد و در بغداد ساکن شد (فاخوری، ۱۳۸۰: ۶۳۷). بعد از چندی به عنوان معلم زبان انگلیسی در مدرسه «اعظمیه» مشغول به تدریس شد، اما به دلایل سیاسی از کارش برکنار شد. و مدتی به عنوان مترجم در سفارت پاکستان کار کرد. در سال ۱۹۵۹ میلادی مقالاتی را با نام «کنت شیوعیاً» در روزنامه «الحریه» منتشر کرد و در آن به شدت کمونیست‌ها را به باد انتقاد گرفت (حاوی، ۱۹۸۳: ۹ و ۱۱).

سیاب پس از مدتی به بیماری سل و عارضه کم خونی مبتلا شد و او برای مداوا به بیروت، لندن و پاریس رفت، اما پزشکان بیماری او را لاعلاج دانستند. عاقبت در سن ۳۸ سالگی در لندن به سال ۱۹۶۴ میلادی چشم از جهان فرو بست (عوض، ۱۹۷۸: ۱۶). از مهم‌ترین آثار سیاب می‌توان به دفترهای شعر او عبارتند از: ازهار ذابله (گل‌های پژمرده)، ۱۹۴۷، أساطیر (افسانه‌ها)، ۱۹۵۰، المومس العمیاء (روسپی کور)، ۱۹۵۴، الأسلحه و الأطفال (اسلحه و کودکان)، ۱۹۵۵، حفار القبور (گورکن)، ۱۹۶۰، أنشوده المطر (سروده‌ی باران)، ۱۹۶۰، المعبد الغریق (معبد غرق شده)، ۱۹۶۲، منزل الأفتان (خانه‌ی بردگان)، ۱۹۶۳، شناسیل ابنه الجلبی (پنجره‌های دختر چلبی)، ۱۹۶۴ و اقبال (اقبال)، ۱۹۶۵ اشاره کرد. افزون بر این سیاب را اشعار نشرنایافته‌ی بسیاری است که بخش مهمی از آنها به شیوه‌ی کهن بوده و پس از درگذشت وی در پنج دفتر منتشر شده است (سیاب، ۲۰۰۰: ۳۹۹).

زندگینامه‌ی قیصر امین پور

قیصر امین پور در دوم اردیبهشت سال ۱۳۳۸ ه.ش در روستای «گتوند» دزفول به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در گتوند و دزفول به پایان برد (صدری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۴۶). در همان زمان خواهرش را که بیمار بود به دلیل عدم امکانات در روستا از دست داد و این در روحیه و عواطف شاعر تأثیر بسیاری گذاشت.

«چندی بعد خانواده وی گتوند را ترک کرده و به دزفول آمدند. او که در همان سال زادگاهش را برای تحصیل در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران ترک کرده بود، پس از مدتی این رشته را به رشته علوم اجتماعی تغییر داد و باز هم این رشته را پس زد و در رشته مورد علاقه‌اش، ادبیات فارسی مشغول شد.

در همان سالها در شکل‌گیری حلقه‌ی هنری و اندیشه‌ی اسلامی در حوزه‌ی هنری با افرادی چون سید حسن حسینی، سلمان هراتی، محسن مخملباف و حسام الدین سراج و ... همکاری داشت. قیصر ضمن ادامه تحصیل دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۶ ه.ش اخذ کرد. (امین پور، در دوازه‌ها، ۱۳۸۶: ۱۲). «در سال ۱۳۶۷ ه.ش سردبیر مجله «سروش نوجوان» شد و از همین سال در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۸۲ ه.ش نیز به عنوان عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد.

اولین مجموعه شعرش را در سال ۱۳۶۳ ه.ش با عنوان «تنفس صبح» منتشر و در همین سال دومین مجموعه شعرش را «در کوچه آفتاب» به بازار فرستاد» (حکاک، ۱۳۸۷: ۲۹). «آینه‌های ناگهان» امین پور را به عنوان شاعری تأثیرگذار در طیف هنرمندان پیشرو انقلاب تثبیت می‌کند و از آن سو نیز موجودیت شاعری از نسل جدید به رسمیت شناخته می‌شود. در اواسط دهه‌ی هفتاد دومین دفتر از اشعار امین پور با عنوان «آینه‌های ناگهان ۲» منتشر شد که حاوی اشعاری است که از شعرهای موفق نسل انقلاب به شمار می‌آید» (امین پور، آینه‌های ناگهان، ۱۳۷۲: ۷). «گل‌ها همه آفتابگردانند» جدیدترین کتاب امین پور نیز در سال ۱۳۸۱ ه.ش منتشر شد.

دکتر قیصر امین پور در سال ۱۳۸۲ ه.ش علی‌رغم تمایلش از سردبیری سروش نوجوان استعفا داد، و ضمن عضویت در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه تهران و الزهرا تدریس می‌کرد و به کارهای پژوهشی مشغول بود. قیصر پس از تصادفی، سال‌ها گرفتار بیماری کلیه بود و بیماری قلبی هم مزید بر علت شد. عاقبت در یکی از بیمارستان‌های تهران در سال ۱۳۸۶ ه.ش چشم از جهان فرو بست. از مهم‌ترین آثار این شاعر گرانقدر می‌توان، آینه‌های ناگهان، تنفس صبح، بی بال پریدن، گزیده اشعار، گل‌ها همه آفتابگردانند و ... را نام برد» (امین پور، رسم شقایق، ۱۳۸۶: ۱۶).

در ادامه‌ی بر شمردن اصول مکتب رمانتیسیم و معرفی دو شاعر به بررسی چند مؤلفه

رمانتیسم، همچون طبیعت گرایی، سفر جغرافیایی (وطن گرایی)، هیجانات و احساسات، آزادی و عشق در آثار دو شاعر معاصر عرب زبان و فارسی زبان بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور می پردازیم.

۱- طبیعت گرایی در آثار سیاب و قیصر امین پور

«نگاه به طبیعت در مکتب رمانتیسم و تعامل با آن، تفاوت اساسی با مکتب کلاسیک دارد. در ادبیات کلاسیک طبیعت به مثابه‌ی دستگامی است که خداوند آن را طراحی نموده و انسان به عنوان حاکم بر آن، در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در مکتب رمانتیسم این نگاه تغییر کرده و ادیبان رمانتیک به طبیعت به عنوان موجودی زنده که اجزای آن دارای هماهنگی بوده و موجودیت مستقلی ندارند، نگرسته اند» (فورست، ۱۳۷۵: ۵۲).

الف- طبیعت گرایی در آثار سیاب

سیاب بی شک یکی از شاعران طبیعت گراست. او در دامان سر سبز طبیعت جیکور متولد و پرورش یافته است. در میان نخلستان‌ها و باغ‌های جیکور بهترین دوران زندگی خویش را سپری کرده است.

از سرسبزی و لطافت باغها و پاکی آسمان جیکور به وجد می‌آید و نغماتی زیبا بر لبانش جاری می‌شود. از این شاعر طبیعت‌گرا به ذکر نمونه‌ای از توصیف پدیده‌های طبیعت بسنده می‌کنیم. سیاب در سروده‌ای به نام «انشوده‌ی المطر» چنین توصیفی از باران دارد:

أَتَعْلَمِينَ أَيَّ حُزْنٍ يَبْعَثُ الْمَطْرُ؟ / وَ كَيْفَ تَنْشِجُ الْمَزَارِبُ إِذَا أَنْهَمْرُ؟ / وَ كَيْفَ
يَشْعُرُ الْوَحِيدُ فِيهِ بِالضِّيَاعِ / بَلَا أَنْتَهَاءِ - كَالدَّمِ الْمُرَاقِ، كَالجِيَاعِ، / كَالْحَبِّ، كَالْأَطْفَالِ،
كَالْمَوْتِ - هُوَ الْمَطْرُ! / وَ مَقْلَتَاكَ بِي تَطِيفَانِ مَعَ الْمَطَرِ / وَ عَبْرَ أَمْوَاجِ الْخَلِيجِ تَمَسُحُ
الْبُرُوقِ / سَوَاحِلَ الْعِرَاقِ بِالنُّجُومِ وَ الْمَحَارِ / كَأَنَّهَا تَهْمُّ بِالشَّرُوقِ (سیاب، ۱۹۷۱: ۲۶۴)

باران/ باران/ هیچ می‌دانی چه هق هقی از ناودان‌ها بر می‌خیزد؟/ و آدم تنها چقدر احساس بی‌پناهی می‌کند؟ چون گرسنگان/ چون عشق/ چون مردگان است، باران/ همراه باران/ چشمان تو/ در خیال من پدیدار می‌شوند و فراسوی موج‌های خلیج/ آذرخش‌ها/ کرانه‌های عراق را/ با ستاره و صدف می‌رویند/ گویی روشنایی قصد دمیدن دارد.

در جای دیگری از شعرش می‌گوید:

فِي كُلِّ قَطْرَةٍ مِنَ الْمَطَرِ / حَمْرَاءُ أَوْ صَفْرَاءُ مِنْ أَجْنَةِ الزَّهْرِ / وَ كُلُّ دَمْعَةٍ مِنَ الْجِيَاعِ
وَ الْعُرَاءِ / وَ كُلُّ قَطْرَةٍ تَرَاقُ مِنْ دَمِ الْعَبِيدِ / فَهِيَ ابْتِسَامٌ فِي أَنْتِظَارِ مَبْسَمٍ جَدِيدٍ / أَوْ

حلمه تَوَزَّدَت علی الولید / فی عالم الغد الفتی، واهب الحیاء / مطر... مطر...
مطر... سیعشِبُ العراق بالمطر... (همان: ۲۶۷).

در هر قطره باران، هر شکوفه سرخ و زرد گلستان / هر دانه اشک گرسنگان و برهنگان / و هر قطره خون ریخته از بردگان / تسمی است چشم به راه لبانی تازه / یا پستانی است که بر دهان نوزادی گل داده است / در جهان فردای جوان و هستی بخش! / باران / باران / باران / عراق با باران، سرسبز خواهد شد. باران در نظر شاعر نماد تازگی است، نماد بیداری و آینده. سیاب از شاعران طبیعت است و به زیبایی پدیده‌های طبیعت «جیکور» را وصف می‌کند.

ب- طبیعت گرایی در آثار قیصر امین پور

شاعر فارسی زبان، قیصر نیز از طبیعت سروده‌های بسیاری دارد و با هنرمندی تام توانسته آن‌ها را به تصویر بکشد. ایشان در قطعه‌ی «باران»، باران را با حسرت بیان می‌کند:
باران، باران و دوباره باران / باران، باران، ستاره باران، باران / ای کاش تمام شهرها حرف تو بود / باران، باران، بهار، باران، باران (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۲۲).
قیصر در جای دیگر، از باران چنین می‌سراید:

دیشب باران قرار با پنجره داشت / روبوسی آبدار با پنجره داشت / یک روز به گوش پنجره بچ بچ کرد / چک چک، چک چک، چکار با پنجره داشت (همان: ۲۳).
با مطالعه در اشعار هر دو شاعر در می‌یابیم که سیاب و قیصر شاعران طبیعت‌گرا هستند؛ چرا که طبیعت در آثار هر دو زنده و پویا ست و در جان بخشی به آنان توانسته اند، تصویری زیبا از طبیعت به نمایش بگذارند.

۲- هیجان و احساسات

نوستالژی خاطرات سیاب و قیصر

نوستالژی (nostalgia) یک احساس طبیعی و عمومی و حتی غریزی در میان نژادهای گوناگون و به طور کلی تمام انسان‌هاست و از دوران گذشته نشأت می‌گیرد. از مهم‌ترین عوامل این احساس می‌توان مهاجرت، از دست دادن عزیزان، خاطرات دوران کودکی و ... را نام برد (شاملو، ۱۳۷۵: ۱۷).

«نوستالژی با خاطره رابطه تنگاتنگی دارد؛ به عبارت دیگر یکی از ستون‌های نوستالژی یادآوری خاطرات است، البته یادآوری خاطره ما را با تاریخ و گذشته پیوند می‌دهد. داشتن خاطره برای هر فرد طبیعی است، اما وقتی یادآوری خاطرات برای شخص به حدی برسد که او را نسبت به واقعیت موجود بدبین کند، شخص احساس نوستالژی و دلتنگی می‌کند. خاطره یادآوری گذشته است و می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۴۳) انسان در این دوران تمدن و صنعت و زندگی شهر نشینی و از دست دادن پاکی و روی آوردن به گناه و فریب و مکر و ... همچنان به ذات و فطرت اصلی خویش بر می‌گردد و در آرزوی پاکی و بی‌آلایشی دوران کودکی خویش می‌باشد. غم‌گرایی (نوستالژیک) در سبک شعر رمانتیک توأم با ناراحتی و احساس آزار نیست؛ بلکه بر عکس غمی دلنشین و جذاب، شعر شاعران رمانتیک را در بر گرفته است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

الف - مرگ در آثار سیاب

مرگ یکی از بن‌مایه‌های فکری هر فردی است و شاعران و نویسندگان بسیاری به این مسئله پرداخته‌اند. سیاب در دوران کودکی مادرش را از دست داد و از وجود مهر و محبت او محروم ماند و از این رو، شعرش نمایان‌گر عشق و محبت اوست. سیاب از دوران کودکی و مادرش یاد می‌کند:

هی روحِ امی هَزَّهَا الحُبُّ العمیقُ / حُبُّ الأمومَةِ فهی تبکی آه یا ولدی البعید عن
الديار / ویلا! کیف تعودُ وحدکَ لا دلیل و لا رفی (سیاب، ۱۹۷۱: ۶۱۶)

آن روح مادرم است که عشق او به من آن را به تکاپو وا داشته، عشق مادرانه او را وادار کرده تا گریان بگویم که ای فرزند غریبم، چگونه بدون راهنما و دوست به وطن باز می‌گردی؟ در «انشوده المطر» از غم از دست دادن مادرش در کودکی یاد می‌کند که تلخ‌ترین خاطره در ذهن اوست که هیچ‌گاه پاک نخواهد شد:

تَنَاءَبِ المساءِ و الغیومِ ما تزالُ / تَسِحُّ ما تَسِحُّ من دموعِها الثقالُ / کانَ طفلاً بات
یهدی قبلَ أن ینامَ / بأنَّ أمَّهُ - التي أفاقَ منذ عامٍ / فلم یجدَها، ثمَّ حین لَجَّ فی
السؤالِ / قالوا له: بعدَ غدٍ تعودُ / لا بدَّ أن تعودَ و إن تهامسَ الرفاقُ أنها هناک / فی
جانِبِ التَّلِّ تنامُ نومَةً اللُّحودِ / تَسْفُّ من تُرابِها و تَشربُ المطرَ (سیاب، ۱۹۷۱: ۲۶۳)

شب خمیازه کشید و ابرها هنوز پیاپی اشک می‌ریزند / مانند کودکی که پیش از خواب،

هذیان گونه می‌گفت: که مادرش - کودکی که سه (یک) سال پیش، روزی چشم گشود و مادر را ندید/ و چون پافشاری کرد/ گفتند/ پس فردا می‌آید/ حتماً/ می‌آید/ هر چند دوستانش، نجواکنان با یکدیگر گفتند: مادرش آنجاست/ کنار تپه و ماهور در میان گور خفته است/ خاک می‌خورد و باران می‌نوشد.

شاعر معاصر عرب زبان این چنین با غم و اندوه از دوران کودکی خود که سراسر پاکی و صداقت است، یاد می‌کند و از اندوهی که بر دلش سنگینی می‌کند، نیز رنج می‌کشد.

ب- مرگ در آثار قیصر

قیصر خاطره مبهم و مه آلودی را که از دوران کودکی از پدرش دارد، چنین بیان می‌کند:

با گربه هایش کودکی در حیاط خانه بازی می‌کند/ مادر کنار چرخ خیاطی / آرام رفته در نخ سوزن / عطر بخار چای تازه در خانه می‌پیچد/ صدای در / شاید پدر... (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۱۶) قیصر نیز دوران کودکی خود را با غم از دست دادن خواهرش یاد می‌کند که بعد از مرگ او مجبور به ترک زادگاه شدند و از سادگی آنجا و نگرانی کودکانه خود می‌گوید:

از همان روز پدرم گفت باید به شهر برویم / مادرم بچه هایش را می‌بست / من دلم می‌خواست گوشه ای از آسمان صاف روستا را بردارم / در بچه مادرم بگذارم، تا هر وقت دلم تنگ شد به آن نگاه کنم / من دلم می‌خواست صدای خروس‌ها را لای لحاف کوچک بپیچم، / تا هر روز صبح با آن بیدار شوم (امین پور، بی بال پریدن، ۱۳۷۸: ۴۵)

خاطرات کودکی و جوانی در آثار سیاب

سیاب خاطرات کودکی خود را با همان دنیای ساده به تصویر می‌کشد هنگامی که پدر بعد از تلاش و کار روزمره شامگاهان به خانه بر می‌گردد و کودک چشم انتظار پدرش در کنار در ایستاده است: و کم من أب آیبَ فی المساء / الی الدارِ من سعیه الباکرِ / و قد زمَ من ناظِرِ به العناء / و غشَاهما بالدم الخائرِ / تلقَّاه، فی البابِ، طفلٌ شروءٌ / یکرکرُ

بالضحكَة الصافیة (سیاب، ۲۰۰۰: ۲۹۷)

پدر شامگاهان بعد از تلاشی که از صبح داشته به خانه بر می‌گردد و چشمانش به شدت خسته است و خون آن را پوشانده بود و کودک بازیگوش در حالی که خنده‌های ملیح بر لب دارد، پدرش را بر در خانه می‌بیند. شاعر رمانتیسم عرب با بیان خاطرات کودکی و جوانی خود را آرام می‌کند و جوانی را به بهار تشبیه می‌کند و می‌گوید:

**انَّ الشَّبَابَ هُوَ الرَّبِيعُ، فَأَيْنَ أَنْتَ مِنَ الرَّبِيعِ / ضَاعَ الْهَيْوَى مِنْ اصْغَرِيكَ، فَقُلْتُ لِلْأَحْلَامِ
ضِيعِي (همان: ۵۱۵)**

همانا جوانی بهار است. پس تو ای جوانی کجای این بهار هستی؟ عشق کسی که در زبان و دل توست، از بین رفت؛ پس به رؤیایها گفتم که از بین بروید. سیاب مانند هر شاعر نوستالژیک دیگر به دنبال این است تا تصویری زیبا از دوران کودکی و جوانی خود که داشته به نمایش بگذارد. این شاعر از زادگاه خود دور شد و یادآوری خاطرات کودکی و نوجوانی که در جیکور داشته، برایش چه بسا دشوار تر از دیگران باشد.

خاطرات کودکی در آثار قیصر

کودکی دورانی است که هر کس با حسرت از آن یاد می‌کند و قیصر می‌گوید: کودکی شاعرانه ترین ایام زندگی است و از این رو پیوند بسیار نزدیکی با شاعر دارد (همان، شعر و کودکی، ۱۳۸۵: ۸۳) دوران کودکی برای شاعر بسان عشقی است که گم شده ست:

**در خواب‌های کودکی ام / هر شب طنین صوت‌های قطار / از ایستگاه می‌گذرد /
انگار هیچ گاه به پایان نمی‌رسد / انگاریش از هزار پنجره دارد / و در تمام پنجره
هایش / تنها تویی که دست تکان می‌دهی (همان: ۳۳) یاد آوری دوران کودکی برای
شاعر معاصر - قیصر - سرشار از غم و اندوه است:**

**سوزد به دل دوباره غم کودکانه‌ای / آهسته می‌تراود غم ترانه ای / باران شبیه
کودکی ام / پشت شیشه هاست / دارم هوای گریه، خدا یا، بهانه‌ای (همان، دستور زبان
عشق، ۱۳۸۶: ۸۷)**

قیصر از جمله از جمله شاعرانی است که بسامد بالای شعر غم‌گرا در مجموعه‌های وی موجب تشکیک منتقدان به وجود نشانه‌های برخی از مختصات یأس فلسفی در تعدادی از آثار او شده اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های رمانتیک قیصر احساس‌گرایی، وجود غم و اندوه در اشعار وی می‌باشد. سیاب و قیصر دو شاعر رمانتیکی هستند که احساس‌گرایی و غم در اشعار

آنها موج می‌زند و به خوبی توانسته اند این احساس را منتقل کنند. سیاب از غم از دست دادن مادرش و خاطراتی که در کودکی با آن رو به رو بود، سخن می‌گوید. شاعر فارسی زبان نیز بسان همتای خویش توانسته غم نداشتن پدر و دوران کودکی خود را به تصویر بکشد. قیصر از مرگ خواهرش که باعث ترک روستا و رفتن به تهران شد، اندوهگین است و حتی شاعر از مرگ باغ نیز سخن گفته است و این بیانگر آن است که قیصر یک شاعر نوستالژیک است.

۳- آزادی در آثار سیاب و قیصر

آزادی یکی از مهم‌ترین موهبت‌های زندگی بشری است و همچنین از موضوعاتی است که با زندگی فرهنگی و اجتماعی بشر پیوند خورده است. آزادی مانند دین و عدالت و ... برای انسان‌ها امر مقدسی است و گذشت زمان و تحولات از ارزش آن نکاسته است. تحقق آن با فراهم شدن زمینه‌های رشد و بالندگی و شکوفایی استعدادهای خدادادی است.

آزادی در آثار سیاب

آزادی یکی از مؤلفه‌هایی است که اکثر شاعران معاصر به آن پرداخته‌اند و کمتر شاعری یافت می‌شود که به این مقوله در اشعارش اشاره نکرده باشد. حال این بیان آزادی می‌تواند به نوعی تعریف و بیان مفهوم آزادی، آزادی سیاسی، اجتماعی و ... باشد. سیاب از شاعران توانمند سیاست و اجتماع است و به خوبی توانسته از آزادی سیاسی بگوید:

الرَدَى وَ الْهَوَانُ خَطُّ الْاِذْلَاءِ / وَ كُلُّ الْحَيَاةِ لِالْحَرَارِ (سیاب، ۲۰۰۰: ۵۰۳)

هلاکت و پستی خصوصیت فرومایگان است و همه زندگی برای آزادی خواهان است.

وَ الْحُرُّ اَبَعْدُ غَايَةٍ مِنْ اَنْ يُرَى / فِى الدَّمْعِ تَخْفِيفًا مِنَ الْبُرْحَاءِ (همان: ۴۹۹)

آزادی والاترین هدف است چرا که در سختی‌ها اشک آرامش بخش است.

سیاب آزادی را برای انسانها شایسته می‌داند و در قصیده‌ی «فی یوم فلسطین» از ایستادگی آزادی خواهان در برابر ظالمان می‌گوید:

وَ الْيَوْمَ يَصْرُخُ كُلُّ حَرٍّ غَاظِبٍ / فِى وَجْهِ كُلِّ مَهْوِسِ الْاَرَاءِ (همان: ۴۹۸)

امروز هر آزاده خشمگین در برابر خودکامگان و ظالمان فریاد می‌زنند. سیاب آزادی را

به صورت آزاد سیاسی بیان کرده است و این بیان به خاطر خفقان اوضاع سیاسی و اجتماعی

شاعر است که به ناچار آن را از خلال وقایع سیاسی به تصویر کشیده است.

آزادی در آثار قیصر

آزادی در سروده‌های قیصر در مفهوم اولیه نجات از اسارت دشمن خارجی و جغرافیایی و سپس در مفهوم رهایی از تعلقات و خواسته‌های نفسانی و در نهایت مفهوم اجتماعی آن، رهایی در معنی عام و مطلق دیده می‌شود. در قطعه «دریای آزادی» چنین می‌سراید:

دم به دم در پهنه دریا / موج شکل تازه می‌گیرد / یک نفر با خط کشی کوچک /
موج را اندازه می‌گیرد / از پی هر موج سرگردان / روز و شب بیهوده می‌تازد / تا
بریزد موج دریا را / در قفس‌هایی که می‌سازد / در قفس دریا نمی‌گنجد / زان که
کار موج پروازی است / همان دریای آزادیم / دشمن ما آن قفس ساز است (امین
پور، مثل چشمه مثل رود، ۱۳۸۵: ۱۴)

قیصر به آزادی به زبان نمادین توجه دارد و تصویری از جامعه آن روزگار، حسرت‌ها و آرمان‌های شاعر را در خود دارد.

روزی که... / پروانه خشک شد آن روز / از لا به لای برگ‌های کتاب شعرم / پرواز
می‌(همان، آیینه‌های ناگهان، ۱۳۷۲: ۹۰)

شاعر آزادی را برای طبیعت نیز آرزو می‌کند. آرزوی شاعر برای گل این است تا هر جا که
دلش می‌خواهد بشکفتد و هر رنگی که می‌پسندد، همان باشد. دل‌های انسان هر جا که
دوست دارند، شکسته شوند.

روزی که سبز، زرد نباشد / گل‌ها اجازه داشته باشند / هر جا که دوست داشته
باشند / بشکفتند دل‌ها اجازه داشته باشند / هر جا نیاز داشته باشند / بشکنند (همان:
۱۳)

در قطعه «الهی» از آزادی نفس و رهیدن از بند تعلقات سخن می‌گوید:

الهی به زیبایی سادگی / به والایی اوج افتادگی / رهایم مکن جز به بند غمت / اسیرم
مکن جز به آزادگی (همان: ۸۶) او در قطعه «آرمانی ۱» به آزادی پرنده اشاره دارد:

پرنده / نشسته روی دیوار / گرفته یک قفس به منقار (همان، گل‌ها همه آفتابگردانند:
۱۳۸۶: ۶۵)

سیاب آزادی سیاسی را به اقتضای اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانش به تصویر کشیده است، اما در نگاه قیصر امین پور این شاعر توانمند آزادی طلب، آزادی مصادیق فردی، اجتماعی و فکری دارد. او آزادی را برای همه در نظر دارد و آزادی را رهایی از دنیا و متعلقات آن و ... می‌داند. آزادی در نگاه قیصر کامل تر و زیباتر نمود پیدا کرده است.

۴- سفر جغرافیایی (وطن گرایی) در آثار سیاب و قیصر

یکی از مواردی که دو شاعر به آن پرداخته اند، وطن دوستی و اشتیاق به وطن است. سیاب و قیصر به خوبی توانسته‌اند، زادگاه خویش را توصیف کنند.

الف- وطن گرایی در آثار سیاب

سیاب شاعری از روستای «جیکور» که اصل آن واژه فارسی «جوی کور» است. و در روزگاران قدیم تحت حاکمیت حکومت‌های ایرانی بوده است، او به بغداد کوچ کرده و هیچ حس مثبتی نسبت به آن ندارد و دچار نوعی شهر گریزی درونی شده است. بغداد در نقطه مقابل «جیکور» قرار گرفته و شاعر با عشق آمیخته با اندوه از آن یاد می‌کند:

آه! جیکور، جیکور / ما للضحی کالأصیل / یسحبُ النور مثل جناح الکیل / ما
لأکواخک المقفرات الکئیة / یحبس الظل فیها نحبیه / أین أین الصبایا یوسوسن
بین النخیل عن هوی کالقاع النجوم الغریبة (سیاب، ۱۹۷۱: ۱۲۰)

افسوس! جیکور، جیکور / چاشتگاهت را چه شده که مانند شامگاه / نور را مانند بال
ضعیفی به عقب می‌کشاند / کلبه‌های بی آب و نان و اندوهگین تو را چه شده / که سایه،
شیون و غم خود را در آن نگاه می‌دارد / کجا هستند، کجا هستند، دخترانی که میان
نخلستان نجوا می‌کردند / از عشق، مانند درخشیدن ستارگان غریب.

بغداد که منفور شاعر است، وقت خشم و نفرت او، همه امکانات رفاهی یک شهر آباد را از
دست می‌دهد و راه‌های ارتباطی آن چه بسا که بسیار یاری رساننده انسان باشد، به
ریسمان‌هایی بدل می‌شوند که پیکر آدمی را می‌فشارند و او را به تنگ می‌آورند:

و تلتفتُ حولی دروبُ المدینة / حبالُ من الطین یمضغن قلبی / یعطین عن جمره فیه
طینه / حبالاً من النار یجلدن عری الحقول الحزینة / و یحرقن جیکور فی قاع
روحی / و یزرعن فیها رماد الضغینه (سیاب، ۱۹۷۱: ۲۲۷)

را ههای شهر گرد من می پیچند / ریسمان هایی از گل، قلب مرا می جوند / و از شعله آتشی (اخگری) که در آن است، گل را / ریسمان هایی از آتش می بخشند که برهنگی دشت های اندوهگین را تازیانه می زنند / و جیکور را در سویدای جانم می سوزانند / و خاکستر کینه و نفرت را در آن می کارند.

شاعر از تمدن و شهر احساس انزجار دارد و همیشه دنبال نقطه ضعف شهر می گردد؛ چرا که بغداد در برابر مدینه ی فاضله سیاب که همان جیکور است، قد علم کرده است.

ب- وطن گرایی در آثار قیصر

قیصر نیز زاده و پرورش یافته ی روستای گتوند اهواز است. بهترین دوران کودکی و نوجوانی را در آنجا سپری کرد. او هنگام مهاجرت و انتقال به تهران دوست دارد روستای خود را با خود ببرد و این چنین می سراید:

دلیم می خواست همه روستا را توی خورجین پدرم بگذارم و به شهر ببرم / من دوست داشتم مثل کوچه های روستا باشم / مثل کوچه ها در روستا بیچم، دور بزنم و محله ها را به هم پیوند بدهم / دوست داشتم مثل کوچه ها باشم و در روستا بمانم / مثل جاده که از روستا بیرون می رفت (امین پور، بی بال پریدن، ۱۳۷۸: ۳۴)

شاعر فارسی زبان امکانات رفاهی و پیشرفت در شهر را تقبیح می کند و همان سادگی روستا را می پسندد:

من دلم می خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تبار بیابان بکشم / دستمالم را اما افسوس / نان ماشینی / در تصرف دارد / آبروی ده ما را بردند (همان، تنفس صبح، ۱۳۶۷: ۱۳۷)

دل خویش را همچنان روستایی می داند:

از من گذشت / اما دلم هنوز / با لهجه محلی خود حرف می زند / لهجه محلی مردم / با لهجه فصیح گل و گندم / (امین پور، تنفس صبح، ۱۳۶۷: همان: ۱۲۵)

قیصر تصویرهای ساده روستا را هیچ وقت فراموش نمی کند:

خوب یادم هست من از دیر باز / باز جان می گیرد آن تصویر، باز / گرگ و میش صبح پیش از هر طلوع / قامت مرد دروگر در رکوع / خوشه ها را با نگاهش می شمرد /

داس را در دست گرمش می فشرد / قطره قطره خستگی را می چشید / دست بر پیشانی دل می کشید (همان، گزیده اشعار، ۱۳۸۶: ۱۵۴) هر دو شاعر نسبت به روستا و وطن خود تعصب دارند و آن را مدینه فاضله می‌شمارند و در برابر آن از زندگی شهری و شهر نشینی انتقاد می‌کنند و به دنبال نقطه ضعف آن هستند.

۵- عشق در آثار سیاب و قیصر

شاعران بسیاری هر کس به مقتضای حالات و احساسات خویش عشق را در آثارشان به نمایش گذاشته و برای درمان آلام خویش به آن پناه می‌برند. سیاب شاعری عاشق پیشه بود. او شیفته دختری به نام «وفیقه» بود و عاقبت وفیقه ازدواج کرد و این حادثه تأثیر زیادی بر روحیه و اشعار وی داشت. برای بار دوم نیز در عشق شکست خورد.

الف - عشق در آثار سیاب

بعد از ترک «جیکور» و زندگی در شهر بغداد چند تجربه تلخ عاشقانه داشت، هر چند سیاب با آنها ارتباطی نداشت، اما در تخیل خود به آنها عشق می‌ورزید.

أتدرینَ عن ربِّه الراعیات / عن الرِّیفِ؟ عما یكُونُ الجوی؟ / هو الرِّیفُ؟ هل تبصرینَ النَّخیلَ / و هذی أغانیه هل تسمَعینَ؟ / أشاهدت یا غابَ رقصِ الضیاء / علی قطرهٍ بینَ أهدابِها (سیاب، ۱۹۷۱: ۲۷)

آیا از دختر چوپان چیزی می‌دانی؟ از روستا؟ از آنچه که سوز عشق است، چیزی می‌دانی؟ آن روستاست، آیا نخلستان را می‌بینی؟ و این نغمه‌های آن است، آیا می‌شنوی؟ ای جنگل! آیا رقص نور را بر قطره اشک میان پلک هایش دیده‌ای؟

عشق در اشعار شاعران رمانتیک نوعی عشق افلاطونی است که شاعر را تنها با یاد و خاطره معشوق زنده می‌دارد و در این عشق از وصال خبری نیست. این امر باعث می‌شود تا شاعر رمانتیک احساس غم و اندوه به خود راه دهد.

ب- عشق در آثار قیصر

قیصر در محیطی گرم و با صفا و صمیمیت و سرشار از عشق و محبت به دنیا آمد. از مهم‌ترین دلایل روی آوری جوانان به اشعار ایشان، صمیمیت نهفته در عشق اوست. برای قیصر زندگی بدون عشق به دشواری جان‌کندن است:

زندگی بی عشق اگر باشد، همان جان کندن است / دم به دم جان کندن ای
 دل کار دشواریست، نیست (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۴۵) دوباره می گوید:
 به جز عشق دردی که درمان ندارد / به جز عشق راه علاجی ندیدم (همان، گل‌ها
 همه آفتابگردانند، ۱۳۸۶: ۵۶) قیصر راز عشق را چنین می‌داند:
 دست عشق از دامن دل دور باد / می‌توان آیا به دل دستور داد؟ / می‌توان آیا
 به دریا حکم کرد / که دلت را یادی از ساحل مباد؟ / موج را آیا می‌توان فرمود
 ایست؟ / باد را فرمود باید ایستاد؟ / موج را آیا توان فرمود: ایست / آنکه دستور
 زبان عشق را / بی گزاره در نهاد ما نهاد / خوب می‌دانست تیغ تیز را / در کف
 مستی نمی‌بایست داد (همان، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۳۵)
 اما گاهی یأس و ناامیدی از دنیا باعث می‌شود به عشق کاری نداشته باشد:
 نه! کاری به کار عشق ندارم... / من هیچ چیز و هیچ کس را در این زمانه
 دوست ندارم

انگار این روزگار چشم ندارد من و تو را / یک روز خوشحال و بی ملال ببیند
 (امین پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۵۹) دیدگاه هر دو شاعر به عشق با غم و اندوه همراه
 است؛ چراکه سیاب در این راه شکست خورد و یاد و خاطره محبوب او را آزار می‌دهد و اشعار
 قیصر نیز خالی از غم عشق نیست او به اوج یأس خود می‌رسد و تصمیم می‌گیرد که دیگر
 کاری به عشق نداشته باشد.

نتیجه گیری

در بررسی و تطبیق اشعار و سروده‌های این دو شاعر ادبیات معاصر عرب و پارسی
 می‌توان به موارد از اشتراکات و تفاوت‌های آن اشاره کرد:
اشتراکات:

۱- هر دو شاعر طبیعت‌گرا هستند؛ سیاب به زیبایی از پدیده‌های طبیعت چون کوه، باغ و
 باران سخن می‌گوید و با چنان ظرافتی توصیف می‌کند که به حق، طبیعت را زنده و پویا به
 تصویر می‌کشد و در مقابل قیصر نیز بسان همتای خویش در اشعارش به زیبایی‌های طبیعت
 چون گل، باران و غیره، پرداخته است.

۲- هر دو شاعر در روستا متولد و پرورش یافته اند و به خاطر پاره ای مشکلات زندگی، روستا را رها کرده و راهی یک سفر اجباری به شهر می‌شوند. اما زادگاه و خاطرات خوش آن فراموش نشده و در اشعارشان به تصویر کشیده شده است.

۳- شهرگریزی و اشتیاق بازگشت به روستا در اشعار هر دو شاعر نمایان است. سیاب علاقه خود به «جیکور» عراق و احساس انزجار از زندگی در شهر را در سروده هایش تکرار می‌کند. وی جیکور را آرمان شهر خود می‌داند. قیصر هم مانند سیاب در آرزوی بازگشت به زادگاه است و در اکثر اشعارش به آن اشاره می‌کند. و از قیل و قال و زندگی شهری خسته و ملول گشته است

۴- از مشترکات دیگر این دو شاعر غم و اندوه را می‌توان نام برد. حسرت، آه و رنج و ... از ویژگی‌های مکتب رمانتیسم است، چرا که آنها بر احساسات و عواطف تکیه دارند. سیاب در غم از دست دادن مادر و مادر بزرگش و قیصر در فقدان خواهرش سوگوار است و این شکست-های عاطفی در اشعار این دو شاعر کاملاً نمود پیدا کرده است و شعر آنها تصویرگر درد و رنج می‌باشد. بنابراین، سیاب و قیصر دو شاعر توانمند نوستالژیک اند.

۵- هر دو شاعر تصویری زیبا از عشق ارائه می‌کنند، با ذکر این که سیاب چندین بار در عشقش شکست خورده است.

تفاوت‌ها

۱- سیاب از ادیث سیتول و الیوت متأثر است، اما قیصر از کسی متأثر نیست، بلکه با سلمان هراتی و شفیعی کدکنی اشتراک مضامین بسیاری دارند.

۲- یکی دیگر از اصول رمانتیک‌ها آزادی است. قیصر به خوبی توانسته آزادی را برای انسان و حیوان و طبیعت به تصویر بکشد. آزادی در نگاه او رهیدن از قید و بند تعلقات دنیوی است و آن را حق همه می‌داند. سیاب نیز در مقابل از آزادی سخن می‌گوید اما آزادی سیاب، یک نوع آزادی سیاسی است.

منابع:

- ۱- الیافی، نعیم، (۱۹۸۳)، تطور الصورة الفنية فی الشعر العربی الحديث، چاپ اول، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.

- ۲- البیوت، تی اس، (۱۳۷۵)، برگزیده آزاد در نقد ادبی، ترجمه سید محمد دامادی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.
- ۳- امین پور، قیصر، (۱۳۶۷)، تنفس صبح، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.
- ۴-، آینه‌های ناگهان، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۲.
- ۵-، شعر و کودکی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۵.
- ۶-، مثل چشمه، مثل رود، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۵.
- ۷-، گل‌ها همه آفتابگردانند، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- ۸-، دستور زبان عشق، چاپ سوم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- ۹-، گزینه اشعار، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- ۱۰-، بی بال پریدن، چاپ پنجم، تهران، انتشارات افق، ۱۳۷۸.
- ۱۱-، درد واره‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات روزنامه همشهری، ۱۳۸۶.
- ۱۲-، رسم شقایق، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۶.
- ۱۳- انوشه، حسن، فرهنگ نامه ادبی فارسی، چاپ اول، ج ۲، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۷۶.
- ۱۴- بلاطه، عیسی، بدر شاکر سیاب (حیات و شعره)، چاپ اول، بیروت، دار النهار، ۱۹۹۱.
- ۱۵- بیضون، حیدر توفیق، بدر شاکر سیاب، رائد الشعر العربی الحدیث، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۱.
- ۱۶- حکاک، لایلا، نامداران فرهنگ و ادب، چاپ اول، مشهد، انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۷.
- ۱۷- حاوی، ایلیا، بدر شاکر سیاب، شاعر الأناشید و المراثی، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب، ۱۹۸۳.
- ۱۸- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۲.
- ۱۹- سیاب، بدر شاکر، اعمال الشعریه الکامله، چاپ سوم، بغداد، دار الحریه، ۲۰۰۰.
- ۲۰-، دیوان، چاپ اول، بیروت، دار العوده، ۱۹۷۱.
- ۲۱- سید حسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیل و نگاه، ۱۳۶۶.
- ۲۲- شاملو، سعید، آسیب شناسی روانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۵.
- ۲۳- شفیعی کدکنی، محمد رضا، شعر معاصر عرب، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
- ۲۴- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.

- ۲۵- صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسرین، حکمی، نسترن، فرهنگ فارسی اعلام، چاپ اول، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۳.
- ۲۶- عوض، ریتا، بدر شاکر سیاب، اسطوره پرداز شعر عرب، چاپ اول، بغداد، الموسسه العربيه للدراسات و النشر، ۱۹۷۸ .
- ۲۷- فاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الادب العربی، چاپ اول ، بیروت، منشورات ذوی القربی، ۱۳۸۰.
- ۲۸- فورست، لیلیان، رمانتیسیم، مترجم مسعود جعفری جزی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۵.
- ۲۹- وان تیژم، فلیپ، (۱۳۷۰)، رمانتیسیم در فرانسه، ترجمه غلامعلی سیار، چاپ اول، تهران، انتشارات بزرگمهر.